

امتناع اکتناه حقیقت انسان

شناخت کنه انسان بلکه شناخت کنه هر چیزی ممتنع است و این معرفت، مختص ذات اقدس الهی است، چون کنه اشیا فیض خاصّ خداست که بسیط محض و بدون امتزاج است...



شناخت کنه انسان بلکه شناخت کنه هر چیزی ممتنع است و این معرفت، مختص ذات اقدس الهی است، چون کنه اشیا فیض خاصّ خداست که بسیط محض و بدون امتزاج است و این «وجه باقی خدا» (نه ذات خدا) در هر چیزی بدون ممانجه، حضور قیومی دارد، بنابراین تنها مقداری از شناخت که در محدوده امکان باشد، مقدور انسان است. البته هر موجودی چون مستفیض است، در حدّ خود با فیض الهی مرتبط است و به همان اندازه از معرفت فیض برخوردار می‌شود؛ لیکن چون فیض منبسط در عین بساطت و بدون امتزاج، در هر جا حضور دارد، اکتناه آن مقدور نیست، مگر کسی که خودش «وجه نزد خدا» و «وجه الله» (1) باشد. چنین انسانی می‌تواند صادر اول یا ظاهر نخستین و مظهر اسم اعظم الهی باشد که سایر انسانها باید به او اقتدا کنند و هرکدام به مقدار سعه هستی خود به وی نزدیک و از کمال علمی و عملی او بهره‌مند شوند.

«نحن وجه الله» (بحار الانوار، ج 4، ص 7 - 5).

تفسیر انسان به انسان، ص 61-62 .